



۹

## تتلو و مواجهه نزدیک با اسطوره آزادی مطلق بیان

نسخه تازه «ماشین زمان» هم ساخته می‌شود

## سفر گرگ وال استریت در زمان



۱۲

# فرهنگ

شنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۷ :: شماره ۵۲۴۵

خوانش بعضی صحنه‌های فیلم محمد رسول...  
به مناسبت فرارسیدن اول ربیع و هجرت پیامبر از مکه به مدینه

## سکانس‌های هجرت

یادداشتی بررمان «احضاریه»  
نوشته علی مؤذنی

### احضاریه‌ای

#### برای یک سفر

ادبیات آیینی

در بخش

داستان، طی

سال‌های اخیر

رشد و بالندگی

ملموسی داشته و دارد که بخش قابل‌توجهی از آن مدیون نویسندگان پیشکسوت در این عرصه است. از جمله علی مؤذنی، داستان‌نویس معاصر که کارنامه نسبتاً پرباری در حوزه ادبیات آیینی دارد. تازه‌ترین رمان این نویسنده با عنوان «احضاریه» درباره پیاده‌روی اربعین و با محوریت بازخوانی زندگی حضرت زینب(س) است. راوی رمان جدید مؤذنی، روزنامه‌نگاری به نام مسعود محبی، یادداشت‌نویس مطبوعات است که باتشویق‌های یکی از دوستانش برای سفر زیارتی مشهد مواجه و همواره آن را به تعویق می‌اندازد. او معتقد است افراد باید برای چنین سفرهای معنوی طلبیده شوند و او هنوز این حس را ندارد. در ادامه، موضوع پیاده‌روی اربعین پیش می‌آید که این بار پای خواهر مسعود، عارفه هم به میان کشیده می‌شود. او به خاطر ناامنی‌های کشور عراق با حضور بردارش در پیاده‌روی اربعین مخالفت می‌کند، اما با دیدن یک خواب که مرتبط با حضرت زینب(س) است، نظرش تغییر می‌کند و از بردارش می‌خواهد در مراسم پیاده‌روی اربعین شرکت کند. عارفه همزمان علاقه‌مند می‌شود درباره زندگی و شخصیت حضرت زینب(س) بیشتر بداند و شروع به تحقیق و مطالعه در این زمینه می‌کند. بخشی از یافته‌های او در قالب یادداشت‌های بردارش منتشر و به این وسیله دانسته‌های او در زمینه زندگی و شخصیت حضرت زینب(س) بیشتر می‌شود. شیوه‌نوشتاری نویسنده به گونه‌ای است که با این مقدمه نسبتاً طولانی که حوادث آن در زمان حال و پیرامون زندگی شخصیت‌های مسعود و عارفه می‌گذرد، به سراغ روایت مستقیم تاریخی درباره زندگی حضرت زینب(س) می‌رود و فصل دوم، از ابتدا تا انتها به این موضوع اختصاص یافته است. فصل سوم رمان، باز هم به حوادث زندگی مسعود و عارفه می‌پردازد که یکی (مسعود) در سفر پیاده‌روی اربعین و دیگری (عارفه) در حال تحقیق درباره زندگی و شخصیت حضرت زینب(س) است. اتفاق قابل‌توجهی که در این فصل می‌افتد، جابه‌جایی شخصیت‌ها در یک فضای ذهنی و معنوی است؛ به‌گونه‌ای که مسعود همواره احساس می‌کند این خواهرش عارفه است که به جای او یا در این سفر معنوی گذاشته است؛ چرا که عارفه عاشق این سفر بوده و حس طلبیده‌شدن را با همه وجودش درک کرده، اما مسعود هنوز احساس می‌کند طلبیده نشده و به خاطر دل خواهرش یا در این سفر گذاشته است. فصل چهارم، باز هم روایت مستقیم تاریخی درباره زندگی و شخصیت حضرت زینب(س) است. همچنین فصل پنجم و پایانی رمان با روایت مستقیم تاریخی شروع می‌شود و در سطرهای پایانی، روایت اثر به زمان حال برمی‌گردد. یکی از ویژگی‌های تأثیرگذار رمان احضاریه، انتخاب هوشمندانه دو شخصیت محوری اثر (مسعود و عارفه) با نسبت خانوادگی برادر و خواهر است.

ادامه در صفحه ۱۰

حالا دیگر احتمالاً نشست به خودش فکر می‌کند چطور می‌تواند از حجم روزافزون این بلاهت بکاهد. حتما خودش هم پی برده دیگر نمی‌تواند با همان متد قبلی صبح‌ها کرکره توپیت‌رش را بالا بکشد و برای کلمات کاهلانه‌اش مشتری جمع کند. تا همین یک هفته پیش، شاید کمتر کسی انتظار داشت ترامپ چنین خلوتی را برای خودش تدارک ببیند که بنشیند و به کارهایش فکر کند و احتمالاً بخواهد در روش



صابر محمدی

ادبیات و هنر

چند نکته درباره مصادره‌های خلاقانه تهدیدهای آمریکایی

به دست ایرانی‌ها

## ایرانی‌ها CAPS LOCK ترامپ را خاموش کردند

رئیس‌جمهور آمریکا ۴ ماه پیش در توپیتی با حروف

بزرگ ایران را تهدید کرده بود؛ یکی در پاسخش

نوشت: «ما بچه‌های جنگیم، با ما باکپس لاک روشن

صحبت نکن!» حالا با مصادره تهدید تازه، انگار دکمه

حروف بزرگ کیبورد ترامپ خاموش شده است



رسانه‌ای تهدیدها رپوده‌اند چون فراتر از شوخی با این تهدیدها، گاه با روشی فرمال و گاه مضمون‌پردازانه، آنها را به زمین بازی خود کشانده‌اند. کافی است همین حالا محتوای عکسی را که هفته پیش ترامپ با تاسی از سریال «بازی تاج و تخت» توپیت کرد در گوگل جست‌وجو کنید. نتیجه حیرت‌انگیز است؛ اصل ماجرا را که توپیت ترامپ باشد در نتیجه‌های اولیه پیدا نمی‌کنید. به جایش کلی تصویر متن و گیف و ویدیو پیدا می‌کنید که در واکنش به آن توپیت تولید شده‌اند. اما ویژگی این شیوه پرداختن به تهدیدهای زرد دیوانه چیست؟

ادامه در صفحه ۱۰

تهدید کردن هایش تغییری بدهد، اما حالا دیگر راهی برای او باقی نمانده است. در یک سال اخیر او هر بار دست به کیبورد لب‌تاپش برده و زبان به تهدید گشوده، آنچنان همه به تمسخرش برخاسته‌اند و دستش انداخته‌اند و به استه‌زایش کشیده‌اند که تهدید، از کارکرد خود تهی شده و از آن جز تصویر مردی با صورتی پس سفید و بی‌روح و لب‌هایی که انگار همیشه برای دشنام لوله شده باقی نمانده است. در این میان، علاوه بر این که جهان‌یان نیز همواره توپیت هایش را دست انداخته‌اند و آنها را از پس زمینه‌ای تهدیدآمیز به زمینه‌ای سرگرم‌کننده کشانده‌اند، ایرانی‌ها گوی سبقت را در میدان جذب

صفحه امیر تتلو به دلیل توهین به زنان و دختران از سوی مدیریت اینستاگرام بسته شد اما چرا این اتفاق در مورد دیگران نمی‌افتد؟

## تتلو و مواجهه نزدیک با اسطوره آزادی مطلق بیان

رضا مشاقتی

جام جم

هفته گذشته بود که صفحه اینستاگرام امیر تتلو در واکنش به توهینی که او خطاب به زنان و دختران در صفحه‌اش منتشر کرده بود، با عمل دسته‌جمعی رپورتور و بلاک مواجه و در نهایت توسط مدیریت اینستاگرام بسته شد. این موضوع ما را یاد بعضی اتفاقاتی می‌اندازد که پیش از این مثلاً در مصاحبه بی.بی.سی فارسی با شاهین نجفی صورت گرفته بود. آن زمان اما این کار با استمداد از داعیه آزادی بیان توجیه شد ولی این اتفاق در مورد تتلو نیفتاد. نه! تصور نکنید کسی اینجا قصد دفاع از تتلو را دارد. همین چند وقت قبل ما در جام جم گزارش رقتیم و سیری از مواضع ال‌کلنگی این خواننده زیرزمینی پرحاشیه عرضه کردیم. بحث چیزی دیگری است.

امیر تتلو که چند هفته پیش با اجرای کنسرت و انجام مصاحبه در کانال بی.بی.سی فارسی دوباره به مرکز توجهات بازگشته بود، به بیکاره شروع به انتشار مطالب زن‌ستیزانه و توهین‌آمیز در صفحه اینستاگرام خود می‌کند. صفحه‌ای که با چهار میلیون دنبال‌کننده، بظاهرا از صفحه اینستاگرام بی.بی.سی فارسی نیز پر مخاطب‌تر است. یک موج در میان اعضای فارسی‌زبان شبکه‌های اجتماعی برای رپورت کردن او به راه می‌افتد. ساعاتی بعد نیز اینستاگرام با اعلام این که تتلو قواعد این شبکه اجتماعی را نقض کرده است از بستن حساب کاربری او خبر می‌دهد. بی.بی.سی فارسی هم خبر بسته شدن حساب کاربری تتلو را که مهمان چند هفته پیش برنامه بهزاد بلور بود، منتشر می‌کند. تا اینجا کل ماجرا یک لایه ظاهری دارد از همدلی کاربران فارسی‌زبان شبکه‌های اجتماعی و واکنش سخت‌شان به توهین‌های تتلو. لایه زیرین ماجرا اما جذاب‌تر است. با مراجعه به هم‌راهان این موج رپورت تتلو متوجه می‌شویم بسیاری از رپورت‌کنندگان از طیفی هستند که داعیه آزادی بیان و مخالفت با سانسور و... دارند، اما در این ماجرا نه تنها از حق آزادی بیان تتلو دمنمی‌زنند، بلکه خود موافق سلب این آزادی می‌شوند. حتی بی.بی.سی فارسی که در مصاحبه بهزاد بلور با شاهین نجفی، مقدسات دینی و فرهنگ

فحاشی او را ترویج کرده و حتی فحاشی نجفی به بی.بی.سی را نیز پخش می‌کند در این ماجرا مخالفتی نشان نمی‌دهد. چه اتفاقی افتاده؟

در اواسط قرن ۱۹ میلادی، جان استوارت میل، در سودای تحقق لیبرالیسم و رها کردن بشر از قید و بند مداخله‌های بیجا دولت و جامعه، دست به قلم برد و «رساله درباره آزادی» را نوشت. اثری سترگ که به یکی از بیانیه‌های لیبرالیسم بدل شد. در این رساله، میل اعلام کرد تنها جایی که می‌توان آزادی اشخاص را محدود کرد، آن‌گاه است که رفتار فرد به دیگری ضرر وارد کند. در هیچ حالت دیگری، مثل نقض یک قاعده اخلاقی یا ایراد ضرر به خود نمی‌شود مانع آزادی شخص شد. قاعده‌ای که به عنوان اصل ضرر» شهرت یافت، دو ویژگی بسیار مهم داشت. اول این که در آزادی اشخاص حداقل دخالت ممکن را انجام می‌داد و دوم این که بسیار ساده بود: «آزادی شخص را فقط در انجام رفتاری که موجب ایراد ضرر به دیگری می‌شود می‌توان محدود کرد.»

قاعده دلپذیری است. هر که هرجا مزاحم آزادی‌تان شد می‌گویید «این رفتار من به چه کسی ضرر وارد می‌کند؟». اما انگار خود جان استوارت میل هم به‌رغم میل باطنی‌اش به پایبندی به این اصل متوجه شده بود که این طور نمی‌شود جامعه‌ای را اداره کرد. در همان رساله مشهور خود نوشت «اعمال زیادی

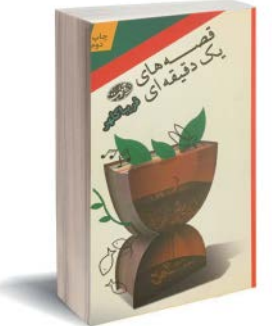
یک مواجهه نزدیک با اسطوره آزادی بیان را برایتان شکل می‌دهد. با الفاظی آن قدر قبیح و وقیحانه که دیگر نمی‌توانید از آن دفاع کنید، چون هیچ‌کس کنارتان نمی‌ماند و هیچ منفعتی نصیب‌تان نمی‌شود. خواستار سلب آزادی بیان او می‌شوید و می‌خرید گوشه‌ای را روز دیگر در دفاع از هرزه‌گویی‌هایی که منفعتی برایتان در پی دارد به همین آزادی بیان استناد کنید.

مطلق‌گرایی و اسطوره‌هایش دو جور می‌شکنند. یا با مطالعه و مباحثه و نشست و برخاست با اندیشه‌ورزان و دیدن نظرات مخالفان، یا با مواجهه نزدیک با اسطوره‌ای که مدافع آن هستند. اتفاقی که در ماجرای تتلو افتاد و جایی برای دفاع از آزادی بیان باقی نگذاشت. یا مثلاً آنها که مطلقاً شخص را محق در انتخاب آزادانه پوشش می‌دانند، بی‌هیچ‌گونه امکان دخالت قانون، شرع، عرف و اخلاق، به محض مواجهه با اولین مورد عورت‌نمایی یا برهنه‌گرایی در می‌یابند از آن مفهوم را هم فرسنگ‌ها دور از دسترس می‌کنند. دفاع غیرمنطقی و بی‌مبنا از آزادی، مداخله غیرمشروع و بی‌بنیان در آزادی را در پی می‌آورد. [ادامه در صفحه ۱۰](#)

#### قصه چوپیمانانه است

سرگذشت قصه در تاریخ بشر سابقه‌ای قدیمی‌تر از خط و زبان دارد. قصه‌ها حتی در ساده‌ترین شکل خود بهره‌ای از تخیل دارند. انسان اولیه نیز شاید بسیار قبل‌تر از آن‌که بر دیواره‌های غارها نقشی ترسیم کند وقتی به آسمان خیره می‌شد با خود درباره این ستاره‌های نورانی و غروب و طلوع خورشید و برآمدن و پنهان شدن ماه و تغییر شکل آن در شب‌های مختلف می‌اندیشیده و قصه‌هایی کاملاً شخصی برای خود می‌ساخته است. بدین ترتیب نخستین قصه‌ها در زمانی که حتی امکان انتقال آنها به دیگران وجود نداشته شکل گرفتند.

از اختراع خط و استفاده بشر از زبان تاکنون راهی بسیار طولانی پیموده شده و دستیابی انسان به فناوری‌های جدید روزبه‌روز تغییرات فراوانی در سبک زندگی و نوع رفتار انسان با خود و جامعه و طبیعت پدید آورده اما همچنان انسان قرن بیست و یکم هم مانند نیاکان خود رابطه خود را با



قصه حفظ کرده است. تاریخ قصه خود داستانی شنیدنی و خواندنی است از قصه‌های حاکی از وقایع معمولی و روزمره گرفته تا افسانه‌های تخیلی و نیز انواع و گونه‌های مختلف قصه‌ها از نظر موضوع و سبک و... برای مخاطبان مختلف از کودک و نوجوان تا جوانان و میانسالان و حتی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایی که روزگاری بهترین قصه‌گویان برای نسل‌های بعدی بودند. شاید هیچ کارشناس تعلیم و تربیتی نباشد که تأثیر مثبت قصه‌گویی را حتی در دوران بارداری مادران برای طفلی که هنوز به دنیا نیامده انکار کند. یکی از گونه‌های قصه که اگرچه نمونه‌هایی در ادبیات کهن نیز داشته اما در دهه‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته قصه کوتاه است که حجم آن گاه با تعداد اندک کلمات و گاه با زمان لازم برای مطالعه آن تعیین می‌شود. کتاب قصه‌های یک دقیقه‌ای تالیف خانم فریبا کلهر از بانوان داستان‌نویس ایران مجموعه‌ای خواندنی از ۹۵ قصه کوتاه است که مطالعه آن برای اهل کتاب و نیز برای تعریف کردن به دیگران قابل توجه و دلنشین است. یکی از قصه‌های این کتاب به نام غولی که خودش را نمی‌شناخت: [ادامه در صفحه ۱۰](#)

ادامه در صفحه ۱۰